

مجموعه زندگانی چهارده معصوم (علیهم السلام)

امام سجاد علیه السلام



ویژه نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحیم

امام سجاد علیه السلام

نویسنده:

واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام سجاد علیه السلام

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : امام سجاد علیه السلام/ تالیف واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران؛ تصویرگر رضا کاظمی. مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷. مشخصات ظاهری : ۲۳ ص. : مصور(رنگی). فروست : مجموعه زندگانی چهارده معصوم (علیه السلام)؛ ۶ شابک : ۸۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۷-۸۴۸۴-۷۷-۹ وضعیت فهرست نویسی : فاپا یادداشت : گروه سنی:ب،ج موضوع : داستان های مذهبی شناسه افزوده : کاظمی، رضا، ۱۳۶۰ - تصویر گر شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم) . واحد پژوهش رده بندی دیویی : دا ۸۶/۷۹۲ الف ۵۶۷ ۷۸۳۱ شماره کتابشناسی ملی : ۴۶۰۸۸۶۱

مشخّصات معصوم

نام: علی لقب: زین العابدین کنیه: ابو محمّد، ابوالحسن نام پدر: امام حسین نام مادر: شهربانو

تاریخ تولد: ۵ شعبان سال ۳۸ هق محل تولد: مدینه مدّت حکومت: ۳۵ سال مدّت عمر: ۵۷ سال تاریخ شهادت: ۱۲ یا ۲۵ محرم سال ۹۵ هق نام قاتل: ولید عبدالملک مرقد: بقیع

۱- ولادت زین العابدین علیه السلام

در سحرگاه روز پنجم شعبان سال سی و هشت هجری قمری، امام سجّادعلیه السلام در شهر مدینه دیده به جهان گشود. او در همان ابتدای تولّد مادر گرامی اش را از دست داد و توسط دایه ای مهربان، دوران کودکی خود را در شهر مدینه سپری نمود. دو ساله بود که جدّش امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت رسید. پس از آن به مدّت ده سال شاهد حوادث دوران امامت عموی خویش، امام مجتبی علیه السلام بود. پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام در سال ۵۰ هجری، به مدّت ده سال نیز در دوران امامت پدرش حسین بن علی علیه السلام همراه وی با معاویه در ستیز و مبارزه قرار داشت.

مادر گرامی امام سجّادعلیه السلام شهربانویه، دختر یزدگرد، پادشاه ایران بود که بعد از جنگ سپاه اسلام با سپاه یزدگرد، این خانم محترم اسیر گشت و به مدینه آورده شد. زمانی که او را وارد شهر کردند حضرت علی علیه السلام فرمودند: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله فرموده است: «به بزرگ هر طایفه ای احترام بگذارید اگر چه مخالف شما باشد و اینان از بزرگان فارس هستند».

حال سزاوار نیست او را که خود صاحب کنیزان و خادمان فراوان بوده بفروشید.

یکی پرسید:«پس چاره چیست؟»

امام علی علیه السلام فرمود: «او را آزاد بگذارید تا شوهری انتخاب کند.»

او از بین جوانان امام حسین علیه السلام را برگزید و بدین ترتیب

با امام حسین علیه السلام ازدواج نمود.

۲– احترام فوق العاده امام علیه السلام به مادر

امام که از همان کودکی به خاطر درگذشت مادرش به دایه ای مهربان سپرده شده بود، محبّت های زیاد دایه مهربانش را نسبت به خود می دید و همواره سعی در جبران محبّت های او داشت تا جاییکه هرگز قبل از او دست به طرف غذا نمی برد و می فرمود: «دوست ندارم دست خود را به طرف لقمه ای دراز کنم که شاید مادرم(دایه ام) زودتر متوجه آن شده باشد و به این جهت از من رنجیده شود و من نسبت به او بی ادبی کرده باشم.

ارزش و مقام نماز و عبادت نزد امام سجّادعلیه السلام امام را به خاطر زیادی عبادت «زین العابدین» می گویند. او روزها را در پی کار و تلاش بود و به رفع حوائج مردم – که آن نیز عبادتی بزرگ بود – می پرداخت و شب ها را به عبادت و راز و نیاز با خدای خود مشغول بود. امام در حال عبادت به قدری غرق در عشق خدا می شد که هیچ حادثه ای او را از حال عبادت خارج نمی ساخت.

۳ – توشه سفر آخرت

یکی از یاران امام علیه السلام می گوید:

در یک شب سرد و تاریک زمستانی، امام سجّادعلیه السلام را دیدم که آرد و هیزم بر دوش گرفته و عبور می کرد. با غلام خود جلو رفته بعد از سلام، عرض کردم: ای پسر رسول خدا! با این بار سنگین به کجا می روید؟

امام علیه السلام فرمودند: قصد مسافرت دارم، توشه سفری آماده نموده ام تا آن را به جایی برسانم.

گفتم:اجازه دهید این بار را غلامم برای شما حمل نماید.

امام علیه السلام فرمودند: نه.

گفتم: پس اجازه دهید خودم آن را حمل نمایم.

امام علیه السلام باز فرمودند: من زحمتی را که موجب نجات من در راه شود و سفرم را آسان

نماید به کسی نمی سپارم.

از امام علیه السلام خداحافظی کرده و رفتم. چند روز بعد امام را دیدم، جلو رفته و عرض کردم: شما مگر به سفر نرفتید؟

امام علیه السلام فرمودند: آن سفر، سفری (سفر برای دنیا) که تو گمان کردی نبود بلکه منظورم سفر برای آخرت بود.

امام سجّادعلیه السلام در آن سفر آرد و هیزم را به درب خانه مستمندان می رساند و این سفر را سفر برای آخرت می دانست.

۴ – امام سجّادعلیه السلام در ماجرای کربلا

پس از آنکه معاویه مُرد، فرزندش یزید، در شام به جای او نشست و ادّعای خلافت کرد. او در نامه ای برای «ولید بن عقید» حاکم مدینه چنین نوشت: از حسین بن علی علیه السلام برای من بیعت بگیر، و در این خصوص به هیچ وجه به او مهلت نده و اگر بیعت نکرد گردنش را بزن و سرش را برای من بفرست.

امام حسین علیه السلام که از سویی هرگز حاضر به بیعت با یزید نبود و از سوی دیگر خطری بزرگ برای اسلام می دید که اگر رخ می داد به صورت قیام و نهضتی عمیق و جهانی بر ضد حکومت یزید و ظالمان به شمار نمی آمد، لذا ماندن در مدینه و قیام علیه ظالمان را جایز ندانسته و بر همین اساس تصمیم گرفت شبانه، همراه افراد خانواده و یاران از مدینه به سوی مکّه رهسپار گردد. ازاین رو قبل از آنکه ولید و مزدوران معاویه تصمیمی بر ضد امام حسین علیه السلام بگیرند، آن حضرت در شب ۲۸ رجب سال ۶۰ هجری، مدینه را به قصد مکّه ترک کرد.

کاروان امام حسین علیه السلام از برادران و فرزندان و برادرزادگان و عموزادگان و بعضی از اصحاب پیامبرصلی الله علیه وآله تشکیل می شد. یکی از

کاروانیان فرزنـدش امام سـجّادعلیه السـلام بود، که سایه به سایه پـدر حرکت کرد، تا در همه امور پشتیبانی نیرومنـد برای پدر باشد.

امام سـجّادعلیه السـلام در این وقت ۲۱ سـال داشت، ولی در مسـیر راه مکّه به کربلاـ بیمـار شـد و بیماری اش شـدّت یافت، به طوری که قـادر به حرکت نبود. در عین حال از کاروان پـدر جـدا نشـد و به عـذر بیماری عقب نشـینی نکرده و همچنان به راه خود، همراه پدر ادامه داد تا اینکه واقعه عاشورا واقع شد و اهلبیت امام حسین از جمله امام سجّاد را به اسارت بردند.

۵- بیماری امام، یک مصلحت الهی

متأسـفانه بسـیاری از مردم ناآگـاه از امـام چهارم علیه السـلام به عنوان امام بیمار یاد می کننـد، در حالی که واقعیت غیر از این است. زیرا امـام سـجّادعلیه السـلام تنهـا درکربلاـ مـدّت کوتاهی بیمار بوده است و پس از آن بهبود یافته و در حـدود ۳۵ سال همچون سایر امامان از سلامت جسمی برخوردار بوده است.

بی شک بیماری موقت آن حضـرت در آن حادثه، عنایت خداوندی است تا بدین وسـیله از وظیفه جهاد معذور گردد و وجود مقدّسـش از خطر مزدوران یزید محفوظ بماند و از این رهگذر، رشـته امامت تداوم یابد. اگر حضرت بیمار نبود می بایست در جهاد با یزدیان شـرکت کند و در این صورت همچون سایر فرزندان و یاران پدرش به شهادت می رسید و نور هدایت خاموش می شد.

از آنجا که در زمان امام چهارم علیه السـلام شـرایط اختناق آمیزی حکم فرما بود، امام علیه السلام بسیاری از اهداف و مقاصد خود را در قالب دعا و مناجات بیان می کرد. مجموع دعاهای امام سجّاد به نام (صحیفه سجّادیه) معروف است که پس از

قرآن مجید و نهج البلاغه، بزرگ ترین و مهم ترین گنجیه گران بهای حقایق و معارف الهی به شمار می رود.

صحیفه سجّادیه تنها شامل راز و نیاز با خدا و بیان حاجت در پیشگاه وی نیست، بلکه دریای بیکرانی از علوم و معارف اسلامی است که طی آن مسایل عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و پاره ای از قوانین طبیعی و احکام شرعی در قالب دعا مطرح شده است.

۶- توبه پیرمرد بر اثر بیانات امام سجّادعلیه السلام

هنگام ورود اهل بیت امام حسین علیه السلام به عنوان کاروان اسیران به شام، پیرمردی از مردم شام به آن ها نزدیک شد و گفت: سپاس خدایی که افراد شما را کُشت و شهرها را از افراد شما آسوده کرد و یزید را به شما مسلّط نمود.

امام سجّادعلیه السلام در جواب فرمودند: ای پیرمرد! آیا قرآن خوانده ای؟ گفت: آری.

امام علیه السلام فرمودند: آیا معنی این آیه را فهمیده ای که خداوند می فرماید: «بگو ای پیامبر! من برای رسالت، فردی جز دوستی با خویشانم را از شما نمی خواهم.»(۱)

پیرمرد: آری خوانده ام.

امام سجّادعلیه السلام فرمودند: خویشان در این آیه ما هستیم. آیا این آیه را خوانده ای: «بدانید از هر آنچه سودی می برید یک پنجم آن مخصوص خدا و رسول و خویشان است».(۲)

پیرمرد گفت: آری خوانده ام.

امام سجّادعلیه السلام فرمودند: ای پیرمرد! خویشان در این آیه، ما هستیم. آیا این را خوانده ای: «همانا خداوند خواسته است که ناپاکی را از شما خاندان بردارد و شما را پاک و پاکیزه گرداند»(۳)؛

پیرمرد: آری خوانده ام.

امام سجّادعلیه السلام: این آیه در شأن ما نازل شده است.

در این هنگام پیرمرد در سکوت فرو رفت و از گفته جسورانه خود پشیمان شد و گفت: تو را به خدا! آیا شما همانید که گفتید؟ امام سجّادعلیه السلام فرمودند: سوگند

به خدا! بدون تردید ما همان خاندانیم. به حقّ پیامبرصلی الله علیه وآله ما همان خویشاوندان هستیم.

پیرمرد، پس از شناخت آن ها، گریه کرد و دست هایش را به سوی آسمان بلند نمود و گفت: خدایا! من از دشمنان حضرت محمّدصلی الله علیه وآله بیزارم. سپس به امام سجّادعلیه السلام عرض کرد: آیا توبه ام پذیرفته است؟

امام سجّادعلیه السلام گفت: آری، اگر توبه کنی، خداوند توبه ات را می پذیرد و با ما خواهی بود. پیرمرد گفت: من توبه کردم.

این خبر به یزید رسید، یزید فرمان داد آن پیر را بکشند و جلّادان یزید، او را به شهادت رساندند.(۴)

۷- بهره برداری امام سجّادعلیه السلام از نهضت عاشورا

بعد از واقعه عاشورا، کاروان امام حسین از جمله امام سجّادعلیه السلام را با کمال اهانت، در مجلس یزید که بسیاری از بزرگان و سران کشور شام و مردم حضور داشتند آوردند. یزید که بر مسند سلطنت تکیه داده بود خطاب به امام سجّادعلیه السلام گفت: حمد و ستایش خداوندی که پدرت را کُشت.

امام سجّادعلیه السلام بی درنگ و با کمال قاطعیت پاسخ داد: لعنت خدا بر کسی که پدرم را کشت.

یزید از پاسخ امام سجّادعلیه السلام به قدری خشمگین شد که فرمان داد گردن آن حضرت را بزنند. امام سجّادعلیه السلام فرمود: ای یزید! اگر قصد کشتن مرا داری، کسی را مأمور کن تا این بانوان و کودکان بی پناه را به مدینه برساند. یزید با شنیدن این سخن، از کشتن آن حضرت منصرف شد.

حضرت زینب و امام سجّاد خطبه های کوبنده ای در آن جا خواندند که باعث شد اوضاع سیاسی و اجتماعی شام دگرگون شود.

امام سجّادعلیه السلام پس از ماجرای عاشورا، برای بیداری مردم و رسوا نمودن یزیدیان و حاکمان جبّار بنی

امیه بهره برداری بسیار نموده و در هر فرصتی به افشاگری می پرداخت و خاطره شورانگیز کربلا و نهضت امام حسین علیه السلام را زنده نمود و از آن به عنوان یک سلاح نیرومند تبلیغاتی بر ضد رژیم های باطل استفاده می کرد.

۸– سه پیشنهاد امام سجّاد به یزید

یزید که اوضاع را کاملاً بر ضد خود می دید پس از عذرخواهی های ظاهری به امام سجّادعلیه السلام گفت: آماده ام که سه حاجت تو را روا کنم.

امام سجّادعلیه السلام از این فرصت استفاده کرد و به یزید سه پیشنهاد زیر را داد:

۱- می خواهم سر مقدّس پدرم را زیارت کنم.

۲- آنچه از ما غارت شده را به ما باز گردان، زیرا در میان آن ها پارچه دست بافت و روسری و گردن بند مادرمان حضرت زهراعلیها السلام وجود دارد.

۳- اگر قصد کشتن مرا داری مردی امین را تعیین کن تا اهل بیتم را به حرم جدّمان مدینه برساند.

یزید پیشنهاد اوّل را رد کرد، پیشنهاد دوّم را پذیرفت و درمورد پیشنهاد سوّم گفت: اهل بیتت را جز تو کسی به مدینه باز نمی گرداند.(۵)

۹– توجّه امام علیه السلام به مستمندان

یزید هنگام دادن اموال غارت شده به امام سجّادعلیه السلام دویست دینار (سکه طلا) نیز به امام داد. امام علیه السلام که در هیچ حالی کمک به مستمندان را فراموش نمی کرد، سکّه ها را گرفت و در همان جا بین تهی دستان تقسیم کرد.(۶)

این کار امام سجّادعلیه السلام از این جهت بود که اموال در اختیار یزید از بیت المال مسلمین می باشد و نباید در اختیار او باشد لذا دویست دینار را گرفت و آن را در همانجا به تهی دستان داد و با این کار هم عزّت و آقایی خاندان نبوّت را نشان داد و هم مستمندان را شاد کرد و هم به مردم فهماند که اموال یزید، مال مردم و مستضعفین است و باید به آن ها برگردد.

۱۰– تأسیس عزاداری برای امام حسین علیه السلام

امام سجّادعلیه السلام و حضرت زینب علیها السلام از همان آغاز در فکر تأسیس سنّت عزاداری بودند. نخستین مجالسی که به این عنوان تشکیل شد در شام و در پایتخت حکومت یزید بود. پس از آنکه سیاست یزید عوض شد و تصمیم گرفت از سخت گیری دست بر دارد و اظهار پشیمانی کرد در همین فرصت، حضرت زینب علیها السلام برای یزید پیام فرستاد تا اجازه دهد برای مصائب برادرش امام حسین علیه السلام مجالس عزاداری بپا کند. قطعاً امام سجّادعلیه السلام نقش اصلی را در این پیشنهاد داشته است. یزید موافقت کرد و امام سجّادعلیه السلام و همراهان هفت روز در دارالحجاره شام، مجالس عزاداری برقرار نمودند. زنان بسیاری درآن شرکت می نمودند. ذکر و یاد امام حسین علیه السلام و شهیدان کربلا به گوش همه مردم

رسید. احساسات مردم به قدری تحریک شد که نزدیک بود به کاخ یزید هجوم ببرند و

او را بکشند. مروان که در شام بود احساس خطر کرد و به یزید گفت: سلاح نیست علی بن الحسین و همراهانش در شام باشند، زودتر آن ها را به مدینه بازگردان.

یزید آن ها را پس از هفت روز عزاداری به سوی مدینه فرستاد.(۷) بنابراین مؤسس سنّت عزاداری؛امام سجّادعلیه السلام وزینب علیها السلام بودند.

۱۱–تشویق حضرت به گریه کردن برای امام حسین علیه السلام

امام سجّادعلیه السلام علاوه بر اینکه از مصائب امام حسین علیه السلام یاد می کرد و می گریست مردم را نیز به این برنامه تشویق می نمود. دراینجا به عنوان نمونه به ذکر یکی از گفتارهایش اکتفا می کنیم.

آن حضرت می فرمود:

خداوند برای مؤمنی که چشمانش به خاطر کشته شدن حسین علیه السلام پر از اشک شود، به گونه ای که آن اشک به صورتش روان گردد، اطاقهای شکوهمندی از بهشت را جایگاه او کند به طوری که او صدها سال در آن اطاقها، سکونت نماید.(۸)

قطعاً منظور امام سجّادعلیه السلام از این یاد آوری ها و گریه ها تنها جنبه عاطفی نبود. بلکه هدفش تحریک احساسات و آماده سازی مردم برای قیام بر ضد ظالمانی بود که آن همه ستم کرده و همان ستم ها را ادامه می دهند که تاکنون نیز این عزاداری ها باعث زنده ماندن هدف امام حسین (امر به خوبی ها و نهی از بدی ها) شده است.

۱۲– شهادت

دشمن که به شیوه های مبارزاتی امام سجّادعلیه السلام پی برده بود و دریافته بود که وجود امام خطری جدّی برای آنها به شمار می رود او را در ۲۵ محرم سال ۹۵ هجری با زهر به شهادت رسانده و در قبرستان معروف (بقیع) در کنار قبر عمویش امام حسن علیه السلام به خاک سپردند.

پی نوشت ها

۱) شوری،آیه ۲۳.

۲) انفال، آیه ۴۱.

۳) احزاب، آیه ۳۳.

۴) لهوف سید بن طاووس

۵) معالی السبطین، ج ۲.

۶) معالی السبطین، ص ۲۶۸.

۷) نفس المهوم، ص ۲۶۲.

۸) لهوف سیدبن طاووس.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹